Scientific quarterly
Hadith-based Qur'anic Research

Vol. 2, No. 3, autumn 2026, 108-132
Article Type: Research Paper
DOI: 10.22034/nqr.2026.2089897.1078

"The Role of Exegetical Narrations in Elucidating the Nature of Eve's Creation and Its Implications for the Status of Women and the Family Institution"

Mahboubeh Mirzaei [1]
Mohsen Barghikar [2]

Abstract

The institution of the family is a sacred foundation established by the Creator upon the principles of mercy and affection between spouses. In this context, the nature of Eve's creation and the purpose of woman's creation have been subjects of significant debate among exegetes. During the era of the Revelation and its immediate aftermath, pre-Islamic (Jahili) beliefs and Isra'iliyyat (Israelite narrations) remained prevalent in Arab attitudes toward women. Consequently, some early exegetes, relying on narrations classified as Isra'iliyyat due to their weak chains of transmission and problematic content, attributed the creation of Eve to Adam's rib, perceiving her as an appendage to Adam in creation, possessing an inferior identity and a deficient intellect. They largely viewed the purpose of woman's creation-akin to that of cattle and vegetation-as existing solely for the benefit of and a completion of blessings for men. However, as time distanced from the era of Revelation, later exegetes, relying on authentic verses and narrations that depict the deliberate and dignified creation of both Adam and Eve, emphasized the inherent compatibility of men and women as an essential feature for strengthening the family. Furthermore, they identified the purpose of marriage as tranquility, the continuation of the human lineage, and mutual spiritual perfection. Employing a descriptive-analytical method, this study compares classical and contemporary exegetical works by examining the diverse views of Sunni and Shi'a exegetes. Perspectives inconsistent with authentic Quranic verses and narrations are critiqued and refuted, while the opposing views are supported through both rational and textual evidence. The findings indicate that the same God capable of creating Adam independently is equally capable of creating his spouse in the same manner. Moreover, while a woman's dignity and character are rooted in her spiritual perfection, righteous deeds and a "pure life" are not exclusive to men; rather, men and women are equal regarding moral agency, accountability, and the path to God. This truth is corroborated not only by various Quranic verses but also by authentic narrations and sound reason.

Keywords: Surah Ar-Rum: 21, Creation of Eve, Creation of Women, Wisdom behind the Creation of Spouses, Sunni and Shi'a Exegetes.

Citation: Mirzaei, M., Barghikar, M. (2026). "The Role of Exegetical Narrations in Elucidating the Nature of Eve's Creation and Its Implications for the Status of Women and the Family Institution". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (3), 108-132 (In Persian)

* Received: 2026/05/28, Revised: 2026/09/12, Accepted: 2026/09/16.

1. Level 4 Student in Comparative Exegesis, Fatimah al-Zahra Higher Institute, Research Center for Interdisciplinary Islamic Human Sciences, Isfahan, Iran. Corresponding author: Mahboob41491@gmail.com
2. Instructor, School of Islamic Sciences and Teachings, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran. Email: MohsenBarghikar@yahoo.com

© Authors retain the copyright and full publishing rights. **Publisher:** Hazrat-e Masoumeh University

سال دوم، شمارهٔ سوم، پاییز ۱۴۰۵، صفحات ۱۰۸-۱۳۲
نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/nqr.2026.2089897.1078
قرآن‌پژوهی روایی

نقش روایات تفسیری در تبیین کیفیت خلقت حوا و بازتاب آن بر جایگاه زن و نهاد خانواده

محبوبه میرزایی [۱]
محسن برقی کار [۲]

چکیده

نهاد خانواده، بنیادی مقدس است که خالق هستی، آن را مبتنی بر رحمت و مودّت میان زوجین قرار داده است. در این راستا، کیفیت خلقت حوا و هدف از خلقت زنان در میان مفسران، محل اختلاف بوده است. در فضای نزول و نزدیک به آن، عقاید جاهلی و روایات اسرائیلی هنوز در عقاید عرب نسبت به زنان رواج داشته است؛ از این رو، برخی از مفسران متقدم، با استناد به روایاتی که به‌دلیل ضعف سند و صحت محتوا، در زمرهٔ اسرائیلیات برشمرده می‌شوند، حکایت از خلق حوا از دنده آدم داشته و وی را طفیلی آدم در خلقت و دارای هویتی بی‌ارزش و عقلی ناقص می‌دانند. آنها عمدهٔ هدف خلقت زن را همانند خلقت چهارپایان و گیاهان به‌جهت منافع و اتمام نعمت بر مردان تلقی می‌نمایند؛ اما هر چه از عصر نزول قرآن می‌گذرد، مفسران با استناد به آیات و روایات مستند که از خلقت مدبرانه آدم و حوا همراه با تکریم هر دو حکایت می‌نماید، تجانس زن و مرد را ویژگی الزامی و مؤثر در تحکیم خانواده می‌دانند. همچنین هدف خلقت ازدواج را آرامش، ادامه سیر خلقت و تکامل روحی ایشان بیان نموده‌اند. در این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی، با مطالعه کتب معتبر، در مقایسهٔ کتب تفسیری متقدم و متأخر، ضمن بررسی و تتبع و ارزیابی اقوال متعدد مفسران فریقین، اقوال متناقض با آیات و روایات مستند، نقد و رد شده و مقابل آن با دلیل عقلی و نقلی تأیید می‌شود. یافته‌ها نمایانگر این است که همان خدایی که قدرت دارد آدم را به‌صورت مستقل بیافریند، قدرت دارد که همسر او را نیز چنین بیافریند؛ همچنین، ضمن آنکه شأن و شخصیت زن در تکامل روح اوست، عمل و حیات طیب فقط مخصوص مرد نیست؛ بلکه زنان و مردان در قاعدهٔ عمل و جزا و رسیدن به خداوند، مساوی هستند. این حقیقت، نه‌تنها از آیات مختلف قران به دست می‌آید، بلکه روایات صحیح و عقل روشن نیز بر آن تأکید دارند.

واژگان کلیدی: روم: ۲۱، خلقت حوا، خلقت سایر زنان، حکمت آفرینش همسران، مفسران فریقین.

استناد: میرزایی، محبوبه؛ برقی کار، محسن (۱۴۰۵). «نقش روایات تفسیری در تبیین کیفیت خلقت حوا و بازتاب آن بر جایگاه»، قرآن‌پژوهی روایی، ۲ (۳)، ۱۰۸-۱۳۲.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵.

۱. طلبهٔ سطح چهار، رشتهٔ تفسیر تطبیقی مؤسسهٔ عالی فاطمة الزهراء علیها السلام، مرکز پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول: Mahboob41491@gmail.com

۲. مربی مدرسهٔ علوم و معارف اسلامی، جامعة المصطفی العالمیة، اصفهان، ایران. رایانامه: MohsenBarghikar@yahoo.com

© نگارندگان حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می کنند.
ناشر: دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام

۱ـ بیان مسئله

اصل خلقت همسر که منشأ تشکیل خانواده و آرامش است، نشانه‌ای از آیات انفسی خداوند است. در این میان، با توجه به روایتی ذیل آیهٔ ﴿وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ في ذلِكَ لآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون﴾ (روم: ۲۱) در کیفیت خلقت حوا در بین مفسران فریقین، اختلاف‌نظر وجود دارد؛ همچنین مفسران، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد هدف از قرار دادن جفت برای انسان ارائه کرده‌اند. اکنون، این سؤال مطرح است که کیفیت خلقت حوا و سایر زنان بعد از او چگونه است؟ همچنین هدف از قرار دادن جفت برای انسان چیست؟ کدام یک از دیدگاه‌های مفسران، از اتقان بیشتر برخوردار است؟

در پیشینهٔ پژوهش، در رابطه با موضوع موردبحث، تحقیقاتی صورت گرفته است. مفسران متقدم (تا قرن دهم هجری) اعم از شیعه و اهل‌سنت و مفسران متأخر (از قرن یازدهم تا معاصر) آیهٔ (روم: ۲۱) را مورد بررسی قرار داده‌اند. معدودی از مفسران، به علت عدم آگاهی از روایات صحیح‌السند و دیگر آیات قرآن و با استناد به روایتی بدون سند، بر این باورند که حوا از دندهٔ آدم خلق شده و طفیلی خلقت او است. هرچند در آیه، به کیفیت خلقت حوا و سایر زنان، اشاره‌ای نشده است؛ اما اینان مدعی هستند که زن، دارای هویتی بی‌ارزش است که هدف از خلقت او همانند خلقت چهارپایان و گیاهان، فقط به جهت منافع مردان است؛ بنابراین، زن برای تکلیف و عبادت خلق نشده؛ بلکه تکلیف آنها به جهت اتمام نعمت بر مردان است تا منقاد مردان باشند.

برخی دیگر برخلاف پاره‌ای عقاید خرافی و روایات اسرائیلی تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند، تجانس زن و مرد را ویژگی مؤثر در تحکیم خانواده دانسته‌اند. هدف از خلقت ازواج را آرامش و ادامه خلقت و گسترش نسل انسانی و تکامل روح آنان بیان نموده‌اند. خداوند آرامش را در زندگی زن و مرد قرارداد و لازمهٔ آرامش که همان مودت و رحمت است، به آنان عطا فرمود.

مقالاتی در رابطه با موضوع موردنظر انجام گردیده که هر کدام از زاویه‌ای خاص به این مسئله نگریسته‌اند. همانند مقالهٔ «ملاک فضیلت و ارزشمندی زن از منظر علامه طباطبایی و فخر رازی» (فلاحی قمی و علیزاده، ۱۳۹۷، ص۳۵_۶۴) که دیدگاه‌های علامه طباطبایی ﷺ و فخر رازی در نحوهٔ خلقت مرد و زن را بیان می‌کند. مقالهٔ «روایات خلقت زن یا حوا در بوتهٔ نقد و نظر» (شریفی، ۱۳۹۸، ص۲۷_۳۷) که تنها روایات را مورد واکاوی قرار داده است. مقالهٔ «آفرینش حوا از دیدگاه قرآن» (وکیلی و محمدرضایی، ۱۳۸۸، ص۷۵_۸۸) تنها به مسئلهٔ انسان‌شناسی به‌صورت عام و آنگاه به آفرینش حوا به‌صورت خاص پرداخته و در این میان، نظر برخی مفسران فریقین را نیز بیان نموده است. تفاوت نوشتار حاضر، بررسی جریان شناسی تفاسیر و نیز تحلیل تمامی آرای مفسران و تحلیل انتقادی در رابطه با نظر ایشان است.

۲ـ کیفیت خلقت حوا و سایر زنان بعد از او و هدف از قرار دادن جفت

مفسران فریقین در تفسیر آیهٔ ﴿وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون﴾ (روم: ۲۱)، ضمن بیان کیفیت خلقت حوا، به خلقت سایر زنان پس از وی نیز می‌پردازند و درنهایت، هدف از جفت قرار دادن آنان برای انسان‌ها را بیان می‌کنند. همچنین، با توجه به ضمیر «کم» در «خَلَقَ لَكُمْ»، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. ابتدا دیدگاه مفسران متقدم، اعم از شیعه و اهل‌سنت و سپس دیدگاه مفسران متأخر بیان و بررسی می‌شود.

آنچه مبرهن است، در فضای نزول و نزدیک به آن، عقاید جاهلی و روایات اسرائیلی همچنان در نگرش عرب نسبت به زنان رواج داشته است. هرچند در آیهٔ ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً﴾ (روم: ۲۱) به کیفیت خلقت حوا و سایر زنان اشاره‌ای نشده است، برخی مفسران متقدم فریقین به کیفیت فیزیکی خلقت حوا و سایر زنان پس از او پرداخته و هدف از خلقت حوا و سایر زنان را تأمین منافع مردان بیان کرده‌اند.

با گذشت زمان از عصر نزول قرآن، دیدگاه مفسران متأخر نیز با استناد به آیات و روایات، نسبت به مسئلهٔ خلقت و جایگاه زنان متفاوت شده است. این مفسران از خلقت مدبرانهٔ آدم و حوا، همراه با تکریم هر دو، حکایت می‌کنند و شأن و شخصیت زن را در تکامل روح او می‌دانند. همچنین، هدف از خلقت حوا و سایر زنان را مؤثر بودن آنان در ایجاد علاقه و تأمین زندگی می‌دانند؛ زیرا مرد به‌تنهایی ناقص است و با زن، که مکمل اوست، یک واحد کامل را تشکیل می‌دهند و نسل انسانی به وجود می‌آورند. افزون بر این، بنا بر تصریح آیهٔ شریفهٔ ﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْها﴾ (روم: ۲۱)، زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش می‌رسند.

۳ـ سیر تاریخی تفسیری آیهٔ «روم: ۲۱» در مورد خلقت حوا

غالباً مفسران فریقین روایت «أنَّ حَواءَ خُلِقَت مِن ضِلعِ آدَمَ؛ حوا از استخوان پهلوی آدم خلق‌شده است» را از قتاده، بدون استناد به پیامبر ﷺ، نقل کرده‌اند. در بعضی از تفاسیر نیز با لفظ «قیل» آورده شده است که نمایانگر ضعف آن است. از میان مفسران اهل‌سنت، ابتدا طبری (قرن ۴) حدیث مذکور را به نقل از قتاده می‌آورد: «حدثنا بشر، قال: ثنا یزید، قال: ثنا سعید، عن قتاده» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج۲۱، ص۲۱). در کتب تفسیری شیعه پیش از قرن ۵، مانند تفسیر القرآن الکریم و مقاتل‌بن‌سلیمان (قرن ۲) و تستری (قرن ۳)، این حدیث ذکر نشده است. قمی (قرن ۳) و فرات کوفی (قرن ۴) که تفاسیر آنان در فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام است، آیهٔ (روم: ۲۱) را ذکر نکرده‌اند. در تفاسیر شیعه، ابتدا شیخ طوسی (قرن ۵) به نقل از قتاده حدیث را ذکر می‌کند. به تبعیت از طبری و شیخ طوسی، مفسران فریقین این روایت را ذکر کرده‌اند. برخی بدان استناد کرده، بعضی دیگر آن را از اسرائیلیات شمرده و معدودی که تفسیر آنان روایی است، بدون اجتهاد آن را نقل کرده‌اند. عده‌ای نیز از ذکر حدیث خودداری نموده‌اند.

۳-۱- دیدگاه مفسران فریقین

برخی از مفسران، ذیل آیات خلقت آدم و حوا، با استناد به روایتی بدون استناد به پیامبر ﷺ، بر این باورند که حوا از دندهٔ آدم خلق شده و خلقت او مانند خلقت آدم مستقل نیست، بلکه او طفیلی خلقت آدم است؛ اما در مقابل، برخی بر این باورند که خلقت حوا مغایر با خلقت آدم نیست؛ چراکه همان خدایی که قدرت دارد آدم را به‌صورت مستقل بیافریند، قدرت دارد که همسر او را نیز چنین بیافریند.

۳-۱-۱- مفسران متقدم اهل‌سنت

از مفسران متقدم اهل‌سنت (قرن ۵)، ابتدا طبری می‌نویسد: خداوند از نفس آدم برای او زوج آفرید و پس از آن، روایت «حوا از دندهٔ آدم خلق شده» را نقل می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج۲۱، ص۲۱). تهافت در کلام او کاملاً نمایان است؛ زیرا نفس مجرد است و با دنده که مادی است، منافات دارد. در مصحف شریف نیز قید «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» دلیلی بر رد روایت مذکور است.

بعد از طبری، از مفسران متقدم اهل‌سنت، بیضاوی و ثعلبی (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۴، ص۲۰۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج۷، ص۲۹۹)، ابن‌جوزی، اندلسی و زمخشری (قرن ۶) (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج۳، ص۴۱۹؛ اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج۴، ص۳۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۳، ص۴۷۲) و ابن‌کثیر و قرطبی (قرن ۷) (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۲۷۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج۱۴، ص۱۷) نیز زن را طفیلی خلقت آدم می‌دانند و روایت مذکور را از قتاده نقل کرده‌اند.

۳-۱-۲- مفسران متأخر اهل‌سنت

از مفسران متأخر اهل‌سنت، سیوطی، مظهری، آلوسی و زحیلی (قرن‌های ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵) روایت مذکور را نقل نموده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۵، ص۱۵۴؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج۷، ص۲۲۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج۱۱، ص۳۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج۲۱، ص۶۷). در قرن ۱۴، مراغی، خطیب و سیدبن‌قطب شاذلی روایت مذکور را ذکر ننموده‌اند (مراغی، بی‌تا، ج۲۱، ص۳۸؛ خطیب، بی‌تا، ج۱، ص۴۹۶).

۳-۱-۳- مفسران متقدم شیعه

از مفسران متقدم شیعه در قرن ۵، سیدمرتضی، بدون ذکر روایت، می‌فرماید: برای هر نفسی از جنس خودش زوج آفرید (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج۲، ص۳۸۴). شیخ طوسی، پس از بیان اینکه نفس همان ذات است که از آن به روح تعبیر می‌شود، روایت «حوا از استخوان پهلوی آدم خلق‌شده» را نیز از قتاده نقل کرده است (طوسی، بی‌تا، ج۸، ص۲۳۹). از مفسران قرن ۷، طبرسی به نقل از اصم می‌فرماید: مقصود این است که خداوند شما انسان‌ها را از نفس واحد آفریده و برای آن نفس نیز همسری از جنس خودش قرار داده است؛ پس آیه دربارهٔ آدم و حوا نیست (طبرسی، ۱۳۶۰، ج۱۰، ص۲۵۰). با این حال، روایت مذکور را نیز از قتاده نقل کرده است (همان، ج۱۹، ص۱۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج۱۵، ص۲۵۰).

در قرن‌های ۸، ۹ و ۱۰، حدود ۳۰۰ تفسیر نوشته شده است. تفاسیر شیعه در این سده‌ها، در مقایسه با گذشته، سیر نزولی داشته‌اند و علت آن، اوضاع نابسامان سیاسی و اقبال دانشمندان شیعه به فقه و تألیف مهم‌ترین کتاب‌های فقهی بوده است (علوی‌مهر، ۱۳۸۷، ص۲۹۹). به‌عنوان مثال، فاضل مقداد در تفسیر کنز العرفان، آیه را تفسیر ننموده است.

۳-۱-۴- مفسران متأخر شیعه

از مفسران متأخر شیعه در قرن‌های ۱۱ و ۱۲، صافی، بحرانی، قمی مشهدی و حویزی، با توجه به روایی بودن تفاسیر آنان، روایت «حوا از دندهٔ آدم خلق‌شده است» را ذکر نکرده‌اند. گویا جعلی بودن آن محرز بوده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۱۲۹). در مقابل، روایات مستند به پیامبر ﷺ را ذیل آیه آورده‌اند: «رسول خدا ﷺ به دختر جحش فرمود: دایی تو حمزه، به قتل رسید. آن زن، آیهٔ استرجاع را خواند و گفت که او نزد خداست؛ سپس پیامبر ﷺ فرمود: برادرت هم کشته شد. آن زن، دوباره آیهٔ استرجاع را خواند و گفت که او نزد خداست؛ سپس پیامبر ﷺ فرمود: همسرت هم کشته شد. پس آن زن دستش را بر سرش نهاد و فریاد کشید. پیامبر ﷺ فرمود: برای زن، معادل همسرش، چیز دیگری نیست» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۱۷۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج۱۰، ص۱۸۳). همچنین روایت «ابن‌عباس می‌گوید که مردی به حضور پیامبر اکرم ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد که ای رسول خدا! من از کاری عجب دارم و آن، این است که مرد و زنی که هرگز یکدیگر را ندیده و نشناخته‌اند، وقتی ازدواج کنند، چنان دوست هم می‌شوند که فوق آن دوستی متصور نیست. حضرت ﷺ فرمود که این دوستی از طرف خدا است که میان ایشان ایجاد می‌نماید و آیهٔ فوق را تلاوت نمودند» را از مفسران متقدم شیعه در قرن ۶، ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸ق، ج۱۵، ص۲۵۰)، از مفسران متقدم اهل‌سنت در قرن ۵، ثعلبی نیشابوری (۱۴۲۲ق، ج۷، ص۲۹۹)، از مفسران قرن ۶، میبدی (۱۳۷۱، ج۷، ص۴۴۶) و از مفسران متأخر شیعه در قرن‌های ۱۴ و ۱۵، بروجردی (۱۳۶۶، ج۴، ص۲۵۴؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۱۰، ص۲۸۳) ذکر کرده‌اند. این روایات با مودتی که در آیهٔ ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾ آمده، سازگار است.

در قرن ۱۳، در تفسیر القرآن الکریم، روایت «حوا از استخوان پهلوی آدم خلق‌شده» آورده شده است (شبر، ۱۴۱۲ق، ص۳۸۷). در قرن ۱۴، در تفسیر اثنی‌عشری، روایت مذکور به نقل از قتاده آورده شده است (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۱۰، ص۲۸۲). در الجدید فی تفسیر القرآن آمده است: امکان دارد مراد، خلقت حوا از ضلع آدم باشد (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج۵، ص۳۵۶). در تفاسیر کاشف (کاشف، ۱۴۲۴ق، ج۲، ص۲۲۴) و من وحی القرآن (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج۴، ص۲۵۹)، روایت مذکور ذکر نشده است. همچنین سبزواری نجفی در ارشاد الأذهان، که بعد از تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن نگاشته است، روایت مذکور را ذکر ننموده است (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ص۴۱۱). علامه طباطبایی ﷺ با استناد به آیهٔ ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها...﴾ (نساء: ۱) چنین می‌نویسد: «مراد از «نفس واحده» آدم و مراد از «زوجها» حوا است که پدر و مادر نسل انسانی هستند. ظاهر جملهٔ

مورد بحث، یعنی جملهٔ ﴿وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها﴾ این است که می‌خواهد بیان کند که همسر آدم، از نوع خود آدم بود و انسانی مثل خود او بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۴، ص۲۱۵)؛ زیرا ضمیر «ها» در «مِنْها» به «نَفْسٍ واحِدَةٍ» برمی‌گردد. «هرچند که در روایت آمده که از دنده آدم خلق‌شده، لیکن از خود آیه استفاده نمی‌شود و در آیه، چیزی که بر آن دلالت کند، وجود ندارد» (همان، ص۲۱۶). اینکه می‌گویند «حوا از پهلوی چپ آدم و به طفیل وجود او آفریده شد، حقیقت ندارد. روایات آن هم تحت تأثیر اخبار تورات ساخته‌شده است» (دوانی، ۱۳۶۲، ص۱۳)؛ زیرا روایت، مستند به پیامبر ﷺ نیست. علاوه بر این، در مصحف شریف نیز آیات از خلقت مدبرانهٔ آدم و حوا، همراه با تکریم هر دو، حکایت می‌نماید.

علامه طباطبایی ﷺ نیز ضمن اسرائیلی دانستن روایات دال بر اینکه حوا از دندهٔ چپ آدم آفریده شده است، می‌نویسد: حوا همانند آدم خلقتی مستقل داشته است و از «سفر پیدایش» تورات نقل می‌کند: «پس آدم اسمای جمیع چارپایان، مرغان هوا و وحشیان صحرا را نام برد، ولی هیچ یاوری در مقابل خود ندید. پس خدا چرتی بر آدم مسلط کرد تا چیزی احساس نکند؛ پس یکی از دنده‌های سینه او را کند و در جایش گوشت گذاشت. آن‌گاه خدا از آن، یک دندهٔ زنی درست کرد و او را نزد آدم آورد. آدم گفت: این بار استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشت‌هایم را دیدم و جا دارد آن را امرأة بنامم؛ چون از امر من اخذ شد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۱۳).

برخی از مفسران قرن ۱۵ از ذکر روایت مذکور خودداری نموده‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج۴، ص۲۳۵؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج۴، ص۲۵۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۳، ص۱۲۹) و بر این باورند که ظاهراً در اینجا خلقت زنان مورد نظر نیست؛ بلکه مؤثر بودن آن‌ها در علاقه‌ها و تأمین زندگی است که حاکی از ادارهٔ زندگی است. مرد به‌تنهایی ناقص است و با زن که مکمل اوست، یک واحد کامل می‌شوند که نسل به وجود آورند (قرشی، ۱۳۷۷، ج۵، ص۴۷۲). برخی با استناد به قرآن، برتری مردان بر زنان را رد نموده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج۱۰، ص۳۸). حتی طبق روایتی از امام باقر ﷺ، خلقت حوا از یکی از دنده‌های آدم، شدیداً تکذیب شده است (مکارم شیرازی، ج۱۶، ص۳۹۱) و تصریح گردیده که حوا، از باقی‌ماندهٔ خاک آدم آفریده شده است (طیب، ۱۳۷۸، ج۱۰، ص۳۷۵).

جدول مقایسهٔ دیدگاه جاهلی ـ اسرائیلی در برابر دیدگاه قرآنی دربارهٔ خلقت حوا و سایر زنان

محور مقایسه	برخی مفسران متقدم و متأخر	برخی مفسران متقدم و متأخر
منبع استناد	روایات ضعیف‌السند و اسرائیلیات	آیات قرآن و روایات مستند
کیفیت خلقت حوا	خلق از دنده آدم (طفیلی بودن)	خلقت مدبرانه و مستقل همراه با تکریم
هویت و شأن زن	هویتی بی‌ارزش و عقل ناقص	تجانس و برابری با مرد در شأن انسانی

پژوهش حاضر با واکاوی تطبیقی دو دیدگاه متقابل دربارهٔ خلقت و هدف آفرینش زن، نشان می‌دهد که دیدگاه جاهلی و اسرائیلی که ریشه در روایات ضعیف‌السند و اسرائیلیات دارد، در برخی تفاسیر متقدم نیز بازتاب یافته و هویت زن را بی‌ارزش و عقل او را ناقص تلقی کرده است. در مقابل، دیدگاه قرآنی، با تکیه بر آیات محکم و روایات مستند، زن و مرد را از نفس واحده و با شأنی برابر خلق‌شده می‌داند. مبنای روش‌شناختی این دو دیدگاه نیز متفاوت است؛ دیدگاه نخست بر نقل بدون نقد و ارزیابی سند استوار است، حال آنکه دیدگاه قرآنی، با نقد سند و محتوا و بهره‌گیری از استدلال عقلی و نقلی، تصویری تکریم‌آمیز و همسو با فطرت انسانی از زن ارائه می‌دهد.

٤- سیر تاریخی تفسیری آیهٔ «روم: ٢١» در مورد خلقت سایر زنان بعد از حوا و گسترش نسل انسانی

یکی از مفاهیم قرآنی که بین مفسران اختلاف ایجاد کرده، خلقت سایر زنان بعد از حوا و گسترش نسل انسانی است.

٤-١- مفسران متقدم اهل‌سنت

برخی از مفسران، بر این باورند که سایر زنان بعد از حوا از نطفهٔ مردان و از جنس مردان خلق شده‌اند. از مفسران متقدم اهل‌سنت، می‌توان به ثعلبی نیشابوری، فخر رازی، بیضاوی، زمخشری و قرطبی اشاره کرد (ثعلبی نیشابوری، ١۴٢٢ق، ج٧، ص٢٩٩؛ فخر رازی، ١۴١٩ق، ج٢۵، ص٩١؛ بیضاوی، ١۴١٨ق، ج۴، ص٢٠۴؛ زمخشری، ١۴٠٧ق، ج٣، ص۴٧٢؛ قرطبی، ١٣۶۴، ج١۴، ص١٧). ابوحیان نیز در بیان حکمت مجانست، بر این باور است که رسولان نیز از جنس بنی‌آدم مبعوث شدند (ابوحیان، ١۴٢٠ق، ج٨، ص٣٨١).

٤-٢- مفسران متأخر اهل‌سنت

از مفسران متأخر اهل‌سنت، مظهری و زحیلی نیز بر این باورند که سایر زنان بعد از حوا، از نطفهٔ مردان و از جنس مردان خلق شده‌اند (مظهری، ١۴١٢ق، ج٧، ص٢٣٨؛ زحیلی، ١۴١٨ق، ج۶، ص٢٣٨).

٤-٣- مفسران متقدم شیعه

از مفسران متقدم شیعه، طوسی، طبرسی و ابوالفتوح رازی نیز بر این باورند که سایر زنان بعد از حوا از نطفهٔ مردان و از جنس مردان خلق شده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج۵، ص٢٣٩؛ طبرسی، ١٣۶٠، ج١٩، ص١١۴؛ ابوالفتوح رازی، ١۴٠٨ق، ج١۵، ص٢۵٠).

٤-٤- مفسران متأخر شیعه

برخی از مفسران متأخر شیعه، بر این باورند که «خلق زنان، همسان مردان است؛ زیرا از یك جنس آفریده‌شده‌اند» (هاشمی رفسنجانی، ١٣٨۶، ج١۴، ص١٢٧؛ سبزواری نجفی، ١۴٠۶ق، ج۵، ص٣۵٣) و زن نیز مانند مرد، انسان است و هر انسانی، چه مرد و چه زن، فردی از انسان است که در ماده و عنصر

پیدایش او، دو انسان نر و ماده شرکت و دخالت داشته‌اند؛ «و از هم نشاءت نگرفته‌اند؛ زیرا «من» جنسیه است و نشویه نیست» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۳، ص۱۳۶).

آیهٔ ﴿وَ بَثَّ مِنْهُما رِجالاً كَثِيراً وَ نِساءً﴾ (نساء: ۱) بیانگر این است که «افراد انسان از حیث حقیقت و جنس یک واقعیت دارند و همه با کثراتی که دارند از یک ریشه منشعب شده‌اند و نسل حاضر از انسان از طرف پدر و مادر، به یک پدر به نام آدم و یک مادر به نام حوا منتهی می‌شود. این دو تن، پدر و مادر تمامی افراد انسان هستند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۴، ص۲۲۴). همچنین، از قید «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» استفاده می‌شود که «نفس، عبارت است از مجموع روح و جسم در دنیا که انسان به‌واسطهٔ آن انسان است» (همان، ص۲۱۴). به‌علاوه، «تذکیر و تأنیث، مخصوص جسم انسان و ابزاری برای تفاوت در امور مادی است؛ درحالی‌که حقیقت انسان، همان روح ملکوتی است که مذکر و مؤنث در آن معنا ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۱۸، ص۵۶۵).

مشاهده و تجربه نیز این معنا را ثابت کرده که «مرد و زن دو فرد، از یك نوع و از یك جوهرند، جوهری که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده شده، در صنف زن نیز مشاهده شده است، اگر در مرد، فضائلی از قبیل سخاوت، شجاعت، علم، خویشتن‌داری و امثال آن دیده‌شده، در صنف زن نیز بدون هیچ تفاوتی دیده‌شده است؛ به‌طور مسلم ظهور آثار نوع، دلیل بر تحقق خود نوع است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۴، ص۱۴۱).

جدول مقایسهٔ دیدگاه مفسران متقدم و متأخر دربارهٔ خلقت حوا و سایر زنان

جنبه‌های مقایسه	مفسران متقدم	مفسران متأخر
چگونگی خلقت زن	خلق از نطفهٔ مردان و از جنس آنان	همسان با مردان و از یک جنس واحد
مبنای تفسیری	قرائت سنتی از آیات آفرینش	تحلیل دقیق‌تر واژگان قرآنی مثل «نفس»
حقیقت انسان	تأکید بر تفاوت جنسی در آفرینش	حقیقت انسان: روح ملکوتی؛ جنسیت: امری مادی
نگاه به زن	نگاه سنتی و محدودتر	نگاه انسان‌شناختی و برابر نگر
نقش آیهٔ (نساء: ۱)	ـــــ	دال بر اشتراک همهٔ انسان‌ها در یک ریشه (آدم و حوا)

بررسی دیدگاه مفسران دربارهٔ چگونگی آفرینش زن، نشان می‌دهد که این مسئله در طول تاریخ تفسیر، تحولی معنادار را تجربه کرده است. مفسران متقدم، غالباً بر این باور بودند که سایر زنان پس از حوا، از نطفهٔ مردان و از جنس آنان خلق شده‌اند؛ دیدگاهی که ریشه در قرائت سنتی از آیات آفرینش دارد. در مقابل،

مفسران متأخر با رویکردی نوین، بر همسانی و هم‌جنسی زن و مرد در آفرینش تأکید کرده‌اند. به باور ایشان، خلق زنان همسان مردان است و هر دو از یک جنس و یک حقیقت انسانی پدید آمده‌اند؛ چنان‌که در آیهٔ ﴿یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذي خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ...﴾ (نساء: ۱) تصریح شده که تمامی افراد بشر، اعم از مرد و زن، از یک ریشه و به یک پدر و مادر (آدم و حوا) منتهی می‌شوند. همچنین، قید «مِنْ أَنْفُسِکُمْ» نمایانگر این است که «نفس» مجموعهٔ روح و جسم است و انسانیت به‌واسطهٔ آن تحقق می‌یابد.

تذکیر و تأنیث، صرفاً ویژگی‌های جسمانی و ابزاری برای تفاوت‌های مادی‌اند؛ درحالی‌که حقیقت انسان همان روح ملکوتی است که در آن مذکر و مؤنث معنا ندارد. این رویکرد، ضمن حفظ اصالت وحیانی، نگاه انسان‌شناختی جامع‌تری به جایگاه زن در نظام آفرینش ارائه می‌دهد.

۵ـ سیر تاریخی تفسیری آیهٔ «روم: ۲۱» در مورد هدف از ﴿خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً﴾

بسیاری از مفسران، بر این باورند که مرد به‌تنهایی ناقص است و با زن که مکمل اوست، یک واحد کامل می‌شوند که نسل به وجود آورند؛ بنابراین، مرد در صورتی احساس آرامش و سکون پیدا خواهد کرد که زن در کنار او باشد. در مقابل، برخی از مفسران بر این باورند که خلقت زنان همانند خلقت چهارپایان و گیاهان، به جهت منافع مردان است و زن همانند بچه‌ها خلقتی سخیف و ضعیف دارد.

۵-۱- مفسران متقدم اهل‌سنت

از نظر برخی از مفسران، ضمیر «کم» در «خَلَقَ لَکُمْ» فقط بر جنس مذکر دلالت دارد. مفسران متقدم اهل‌سنت بر این باورند که خداوند برای شما همسرانی همانند و شکل خودتان و «از جنس خودتان مقدر کرد» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج۳، ص۴۱۹) تا «اسم و رسم شما را نگه دارند» (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج۲، ص۱۱۸) و «به‌واسطهٔ آنان آرامش پیدا کنید» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج۱۴، ص۱۷) و «از جنس دیگری قرار نداد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۳، ص۴۷۲؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج۷، ص۲۲۹) و «از جنس جنیان قرار نداد» (میبدی، ۱۳۷۱، ج۷، ص۴۴۶). اگر خداوند همهٔ «انسان‌ها را از ذکور یا ازواج را از جن یا حیوان می‌آفرید، نه‌تنها الفت حاصل نمی‌شد، بلکه نفرت در میان آن‌ها بود» (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۲۷۸). با این حال، برخی از مفسران متقدم اهل‌سنت، با تطبیق «خَلَقَ لَکُمْ» در آیهٔ شریفهٔ ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَکُمْ ما فِي الْأَرْضِ جَمِیعاً﴾ (بقره: ۲۹) با ﴿خَلَقَ لَکُمْ﴾ در آیهٔ (روم: ۲۱)، می‌نویسند: «خلقت زنان، همانند خلقت چهارپایان و گیاهان به جهت منافع مردان است؛ بنابراین زن برای تکلیف و عبادت خلق نشده؛ بلکه تکلیف آن‌ها به جهت اتمام نعمت بر مردان است. ترس از عذاب برای این است که تسلیم محض شوهرانشان باشند. اگر تکالیف متوجه خود زن نیست، نشانگر این است که زن همانند بچه‌ها خلقتی سخیف و ضعیف دارد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۲۵، ص۹۱).

۵-۲- مفسران متقدم شیعه

مفسران متقدم شیعه، بر این باورند که «به شکل نفوستان برایتان زوج آفرید؛ زیرا انسان به هم‌شکل خود گرایش بیشتری دارد» (طوسی، بی‌تا، ج۸، ص۲۳۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج۱۹، ص۱۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج۱۵، ص۲۵۰). برخی از مفسران، برخلاف پاره‌ای عقاید خرافی و تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند، تجانس زن و مرد را ویژگی مؤثر در تحکیم خانواده دانسته‌اند. آنان در تفسیر ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً﴾ بر این باورند که ضمیر «کم» در «أَنْفُسِكُمْ» بر جنس مذکر و مؤنث دلالت دارد؛ زیرا معنای لغوی زوج، به معنای همسر است و جمع آن «ازواج» است. این کلمه، در مورد «هر دو قرین که یکی نر و دیگری ماده باشد، استعمال می‌شود؛ یعنی هم به نر و هم به ماده می‌گویند که این، زوج آن دیگری است» (مصطفوی، ۱۳۴۰، ج۴، ص۳۸۱). همچنین، «اگر ذات اقدس الهی، ضمیر را به‌صورت مذکر تعبیر می‌کند، بر اساس فرهنگ محاوره است، نه اینکه مخصوص مردان باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص۹۵).

۵-۳- مفسران متأخر اهل‌سنت

مفسران متأخر اهل‌سنت، بر این باورند که خداوند حکیم در «خَلَقَ لَكُمْ»، از «باب تغلیب ضمیر «کم» آورده است» (ابوالسعود، بی‌تا، ج۷، ص۵۶) و «خطاب به عموم مردم اعم از زن و مرد است و مخصوص مردان نیست» (خطیب، بی‌تا، ج۱۱، ص۴۹۷) و «لام» برای «انتفاع هرکدام از همسران اعم از زن و مرد است که از اطلاق زوج به دست می‌آید» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج۲۱، ص۳۲) و همسرانی «از نوع خودتان و یا از صنف خودتان قرار داد» (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج۶، ص۲۳۸) و «مجانست از انگیزه‌های شناخت و کنار هم قرار گرفتن است» (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج۸، ص۸). همچنین، اینکه «برخی فقیهان، نکاح و علاقه بین جن و انس را جایز می‌دانند، اعتباری ندارد؛ زیرا در کنار جن، حتی اگر به‌صورت انسان باشد، آرامشی نخواهد بود» (حقی بروسوی، بی‌تا، ج۷، ص۱۹) و «تزویج به جن یا پری دریایی توهمی بیش نیست» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج۲۱، ص۳۲)؛ زیرا جنسیت علت انتظام و جمع شدن است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۴، ص۲۰۴؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج۱۴، ص۲۲۹). علاوه بر مجانست، «باید از نظر فرهنگی، اخلاق، آداب و رسوم توافق داشته باشند؛ لذا شریعت، امر به تکافؤ می‌کند. در جامعهٔ کنونی، کثرت طلاق از اختلاف فرهنگی نشأت می‌گیرد» (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲، ج۳، ص۹).

حکمت خالق در «خلق هر کدام از زن و مرد به‌گونه‌ای است که هر کدام موافق دیگری هستند و حاجات فکری اعم از روحی، عقلی و جسمی یکدیگر را جواب‌گو هستند که هر کدام نزد دیگری راحتی و اطمینان پیدا می‌کند و زن و مرد در زندگی خود آرامش و مودت و رحمت را می‌یابند» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج۵، ص۲۷۶۴).

در نتیجه، «نفس، راحت می‌شود و مشاعر، آرامش پیدا کرده و قلوب، مطمئن می‌شود و هیچ نعمتی، به‌اندازه آرامش و امنیت، به انسان افاضه نشده است» (خطیب، بی‌تا، ج۱۱، ص۴۹۷). همچنین، «امتزاج آن‌ها در نهایت، انشاء حیاط جدیدی در نسل جدید پدید می‌آورد» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج۵، ص۲۷۶۴)

که «قوام دنیا در همین تناسل است» (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹ق، ج۴، ص۳۳۲؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج۳، ص۳۹۰). با این حال، برخی بر این باورند که «در روایت آمده که زنان عقلی ناقص و دینی ناقص دارند و مردان برخلاف آنان هستند» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج۳، ص۲۳).

۵-٤- مفسران متأخر شیعه

با توجه به اینکه وجود مهرورزی و عواطف میان زن و شوهر و همچنین میان اعضای خانواده، عنایت خدادادی و از آیات الهی است، برخی از مفسران متأخر شیعه، بر این باورند که «از رحمت رحیمیه خداوند و از جملهٔ آثار توحید افعالی و رحمت رحمانیهٔ خداوند، این است که به شکل نفوستان برای شما زوج آفرید» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۳، ص۱۳۶) و بشر را «از دو صنف جفت و زوج آفرید و از مردان و زنان تشکیل داد؛ بدین طریق که فرزندان پسر و یا دختر باشند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۱۲، ص۴۰۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج۴، ص۲۳۵).

با توجه به اینکه «زوجیت و همسری میان انسان‌ها، پدیده‌ای در جهت منافع آنان است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج۱۴، ص۱۲۷)، بنابراین «لام» در ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً﴾ برای «انتفاع هر کدام از همسران اعم از زن و مرد است که هر کدام محتاج و مکمل یکدیگرند» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۳، ص۱۳۶). پس خداوند «هر یک را برحسب طبع، مجهز به جهاز تناسل نموده و در هر یک، نقصی نهاده که به وجود دیگری، آن نقص جبران می‌پذیرد به اینکه در صنف مردان، نیروی ذکورت و تأثیر و تولید نهاد؛ همچنین در بانوان، نیروی اناثت و استیلاد نهاده که از طریق ازدواج و همزیستی، هر یک، نقص خود را با دیگری رفع نماید» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۱۲، ص۴۰۴)، «تا حیات خانواده تأسیس شود و از آن، کل اجتماعات انسانی نشأت بگیرد؛ پس هردوی آن‌ها با اقبال و اجمال، سختی‌ها را تحمل کرده و به‌صورت مشترک در گسترش نسل انسانی مؤثرند و جوهرهٔ انسانی را به‌صورت مشترک به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۳، ص۱۳۷). در نتیجه، برای همیشه «نسل بشر در جهان استوار می‌ماند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۱۲، ص۴۰۴) و این «همزیستی مسالمت‌آمیز میان زن و مرد، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانهٔ میان آنان، از آیات قدرت الهی است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج۱۴، ص۱۲۷).

هدف از ازدواج «تنها ارضای غریزهٔ جنسی نیست، بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است. نقش همسر، آرام‌بخشی است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۷، ص۱۸۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج۱۸، ص۱۱۴). «علاقه‌هایی مانند لذات جنسی، آرامش روحی را در برندارد؛ زیرا غیر مرتبط با وثاق شرعی است و هیچ‌کدام از آرامش و مودت و رحمت در آن‌ها نیست» (همان، ص۱۱۷).

هنگامی‌که «انسان از مرحلهٔ تجرد، گام به مرحلهٔ زندگی خانوادگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و این، همان معنی احساس آرامش در سایهٔ ازدواج است. آرامش، هم از نظر جسمی و روحی و هم از جنبهٔ فردی و اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۶،

ص۳۹۲). همچنین، «مرد به‌تنهایی ناقص است و با زن که مکمل اوست، یک واحد کامل می‌شوند که نسل به وجود آورند، پس مرد، در صورتی احساس آرامش و سکون پیدا خواهد کرد که زن در کنار او باشد» (قرشی، ۱۳۷۷، ج۸، ص۱۹۲). همچنین، «آرامش و طمأنینهٔ روحی و قرار گرفتن غریزه در طبیعت انسان، موجب تکامل اوست؛ به‌گونه‌ای که هرکدام، فطرتاً دیگری را جزئی از ذاتش می‌داند. به این آرامش، زوجیت گویند که از آرامش جسمی که غریزه را اشباع می‌کند، گذر کرده و به آرامش روحی می‌رسد؛ آرامشی که انسان را از کناره‌گیری و تنهایی و وحشت، به انس و ملاقات یکدیگر می‌کشاند» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج۱۸، ص۱۱۷).

خداوند، آرامش را در زندگی زن و مرد قرار داد و لازمهٔ آرامش، که همان مودت و رحمت است، به آنان عطا فرمود. ﴿وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). ازجمله «علائم و آیات رحمت او، آن است که بعد از اجرای صیغه ازدواج، فوراً دوستی و مهربانی میان شما ایجاد فرماید؛ به‌طوری‌که هر یک، نفع دیگری را بیش از هر کس طالب و هر یک، از ضرر دیگری بیش از هر کس گریزان است و هر کس اندک تفکر و تأمّلی نماید، می‌یابد که این دوستی و مهربانی که سابقه نداشته، از مبدأ رأفت و رحمت آن‌ها افاضه شده‌است. از لطف و رحمت خدا بر بندگان است که وسایل آرامش و آسایش و دل‌خوشی و سرگرمی و انتظام امور و انتشار نسل آن‌ها را در زمین تا یوم النّشور فراهم فرموده و این‌ها همه، آیات الهی است که مشهود بندگان می‌گردد و از آن‌ها غفلت دارند» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج۴، ص۲۵۱).

جدول مقایسهٔ دیدگاه جاهلی/اسرائیلی در برابر دیدگاه قرآنی دربارهٔ هدف ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً﴾

محور مقایسه	دیدگاه مستند به روایات جاهلی	دیدگاه مستند به قرآن و روایات صحیح‌السند
هدف از خلقت زن	تأمین منافع مرد (همانند چهارپایان و گیاهان)	آرامش، ادامهٔ سیر خلقت و تکامل روحی
نقش در خانواده	نقش فرعی و وابسته	نقش مؤثر و الزامی در تحکیم خانواده
برابری در عمل و جزا	نفی یا کمرنگ	تساوی کامل زنان و مردان در قاعدهٔ عمل و جزا
مبنای روش‌شناختی	نقل بدون نقد و ارزیابی سند	نقد سند و محتوا + استدلال عقلی و نقلی

واکاوی تطبیقی دو دیدگاه متقابل دربارهٔ هدف آفرینش زوج، نشان می‌دهد که دیدگاه جاهلی و اسرائیلی که ریشه در روایات ضعیف‌السند و اسرائیلیات دارد، زن را موجودی طفیلی و وابسته معرفی می‌کند که صرفاً برای تأمین منافع مرد آفریده شده است و نقش او را در خانواده به جایگاهی فرعی و منفعل تنزل می‌دهد. در مقابل، دیدگاه قرآنی با تکیه بر آیات محکم و روایات مستند، هدف از آفرینش زوج را ایجاد آرامش، ادامهٔ

سیر خلقت و تکامل روحی معرفی می‌کند. این دیدگاه، برخلاف دیدگاه نخست، بر تساوی کامل زنان و مردان در قاعدهٔ عمل و جزا تأکید دارد و نقش زن را در تحکیم خانواده، الزامی و مؤثر می‌شمارد.

٦ـ ارزیابی

دیدگاه برخی از مفسـران، مبنی بر اینکه زنان در حدوث و بقا از نفوس مردان و دارای هویتی بی‌ارزش هستند و هدف از خلقت آنان به‌عنوان همسر، فقط تأمین منافع مردان است، در حالی که مستقلاً مأمور به تکلیف نشده‌اند، با سیاق آیات قرآن، روایات صحیح‌السند و دستاوردهای پزشکی منافات دارد.

٦-١- دستاوردهای پزشکی و علوم تجربی

دیدگاه برخی از مفسران قرن ۱۴ مبنی بر اینکه زنان «در حدوث و بقا از نفوس مردان هستند» (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ص۴۱۱)، جای تعجب دارد؛ زیرا با دستاوردهای پزشکی و علوم تجربی ثابت شده است که هر انسانی، غیر از آدم و حوا و حضرت عیسی علیه‌السلام، اعم از زن و مرد، در حدوث (خلقت اولیه) و بقا (انتشار نسل) برای رشد و تکامل، نیاز به «فرآیندی دارد که در طی آن، گامت نر (اسپرم) و گامت ماده (اووسیت) باهم یکی شده و لقاح زمانی اتفاق می‌افتد که یک اسپرم بالغ بتواند با موفقیت به درون یک سلول تخمک وارد شود. در نهایت یک سلول تخم تشکیل می‌شود که شروع به رشد و تقسیم می‌کند و یک ارگانیسم جدید را می‌سازد. کروموزوم‌های هریک از گامت‌ها یا سلول‌های اسپرم و تخمک (۲۳ کروموزوم) با یکدیگر ترکیب شده و سلول تخم با ۴۶ کروموزوم را تشکیل می‌دهند که ۲۳ عدد آن‌ها مال پدر و ۲۳ عدد دیگر مال مادر است» (سلطانی‌نسب و گرجی، ۱۳۷۲، ص۲ـ۱۰). علاوه بر خلقت، حتی «صفات ویژهٔ یک فرد، ژن‌های مخصوص که بر روی کروموزوم‌ها قرار دارند را از پدر و مادر به ارث می‌برند» (همان).

همچنین، با بررسی‌های نوین پزشکی نیز اثبات شده است که نه‌تنها تعداد دنده‌های چپ و راست مرد باهم یکسان است، بلکه «در بررسی تشریحی دو جنس (زن و مرد) تنها تفاوت از خارجی‌ترین قسمت تا داخلی‌ترین قسمت، پوست و ضمایم پوستی است، غیر از این، هیچ تفاوت دیگری دیده نمی‌شود. تعداد دنده‌ها، تعداد مهره‌ها و تعداد استخوان‌ها، هیچ تفاوتی را در دو جنس نشان نمی‌دهند» (درک، وگل و میچل، ۱۳۹۳، ج۱، ص۱۵۷ـ۱۶۴)؛ درصورتی‌که بنا بر روایات اسرائیلی، باید تعداد دنده‌های چپ مرد، یکی کمتر از تعداد دنده‌های راست او باشد. از نظر عقلی نیز بعید به نظر می‌رسد که خلقت حوا مغایر با خلقت آدم باشد؛ چراکه همان خدایی که قدرت دارد آدم را به‌صورت مستقل بیافریند، قدرت دارد که همسر او را نیز چنین بیافریند.

همچنین، از آیات قرآن به دست آمد که لفظ «ماء»، لفظ «منی» و مشتقات آن و لفظ «سلاله» ناظر بر سلول‌های جنسی (اسپرم و تخمک) بوده، ولی واژهٔ «نطفه» مطلقاً در برخی آیات ناظر بر سلول‌های جنسی است و در برخی دیگر، بر تخمک لقاح‌یافته (سلول تخم) دلالت دارد» (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، همان‌گونه که زنان در حدوث و بقا از نفوس مردان هستند، مردان نیز در حدوث و بقا از نفوس زنان هستند.

۶-۲- سیاق (قرینهٔ متصل اصول محاورهٔ عقلایی)

در ادبیات عرب، روابط هم‌نشینی و تأثیرپذیری از آیات قرآن یا واژگان پیش و بعد از خود، امری بدیهی است. با استمداد از سیاق قرآن، به‌دست آمد که عمومیت لفظ انسان در آیهٔ شریفهٔ ﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)، همهٔ انسان‌ها را فارغ از جنسیت دربرمی‌گیرد. «به‌مقتضای حکمت و مصلحت، جن و انس را به این هیکل‌ها و صورت‌های بدیع آفریدیم و جوهر عقل را به آنان افاضه کردیم تا فقط مرا عبادت کنند» (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج۲، ص۳۵۶). همچنین، زن و مرد فقط به‌واسطهٔ تقوا بر یکدیگر برتری دارند. خداوند در آیهٔ ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى، وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)، تنها ملاک برتری را تقوا قرار داده است و برای «تأکید و عدم تخصیص به صنف ذکور، لفظ ﴿مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى﴾ آورده شده است» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج۷، ص۲۶۹؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۲۳۹؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج۷، ص۲۱۹۴).

وقتی که «هیچ مزیتی جز تقوا برای کسی نیست و با درنظرداشتن اینکه یکی از مراحل تقوا، اخلاق فاضله است، پس یک زنی که درجه‌ای از درجات بالای ایمان را دارد و یا سرشار از علم است و یا عقلی پخته و وزین دارد و یا سهم بیشتری از فضائل اخلاقی را دارا هست، چنین زنی در اسلام ذاتاً گرامی‌تر و از حیث درجه، بلندتر از مردی است که هم‌تراز او نیست، حال آن مرد هر که می‌خواهد، باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۴۰۷).

خداوند در آیهٔ ﴿مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً، وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)، سه لفظ را بیان فرموده که هر سه لفظ، به‌صورت مذکر آمده است؛ اما در اثنای آیه، خداوند می‌فرماید که خواه زن باشد، خواه مرد؛ که نه با قسمت قبل آیه و نه با قسمت بعد از آن هماهنگ است؛ زیرا در اول آیه، ﴿مَنْ عَمِلَ صالِحاً﴾ آمده است که هر دو لفظ «مَنْ» و «عَمِلَ» به‌صورت مذکر بیان شده است. البته ممکن است دربارهٔ «مَنْ» گفته شود اعم از زن و مرد است، اما لفظ دوم که «عَمِلَ» است، مخصوص مذکر است. در ادامهٔ آیه می‌فرماید: ﴿مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً﴾ که در اینجا لفظ «هُوَ مُؤْمِنٌ» و ضمیر مفعولی در «فَلَنُحْيِيَنَّهُ» مذکر آمده است. در اینجا، ذات اقدس الهی می‌خواهد بفهماند من که به‌صورت مذکر تعبیر می‌کنم، بر اساس فرهنگ محاوره است، نه اینکه عمل و حیات طیبه مخصوص مرد باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص۹۵)؛ بلکه «زنان و مردان در قاعدهٔ عمل و جزا و رسیدن به خداوند مساوی هستند و لفظ ﴿مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى﴾ برای تقریر این حقیقت است» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج۴، ص۲۱۹۴). خداوند برای تأکید و عدم تخصیص به صنف ذکور، لفظ ﴿مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى﴾ را آورده است و حیات طیبه شامل هر مؤمنی می‌شود.

بر این اساس، آیه تصریح نموده است که «هرگونه عمل صالح و شایسته از مرد یا زن اهل ایمان صادر شود بی‌نتیجه و بیهوده نخواهد بود؛ زیرا هر یک، مستقل در اراده و اختیارند و عمل هر یک، مورد تقدیر پروردگار و حیات روانی آن‌ها است و کرامت برای مرد و زن، همانا ایمان و تقوا و اخلاق فاضله و علم نافع و عقل و

صبر است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۹، ص۵۳۵) و «هرکس از خداوند اطاعت کند، اعم از زن و چه مرد، درحالی‌که مؤمن باشد، خداوند حیات طیبه، یعنی رزق نیکو به او می‌دهد و او سعادتمندمی شود» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج۱۴، ص۱۱۶).

همچنین، دیدگاه فخر رازی و کسانی که بر این باورند که زنان همانند مردان به‌صورت مستقل مأمور به تکلیف نشده‌اند، با آیهٔ ﴿أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلى بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنى﴾ (یوسف: ۱۰۸) منافات دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ای پیامبر! به این امت بگو که راه و رسم من و پیروانم این است که با بینایی و بصیرت، خلق را به‌سوی خداوند دعوت می‌کنیم؛ «این دعوت، شامل همهٔ انسان‌ها است. اگر پیامبری مانند رسول خدا ﷺ دعوت‌نامه برای یک مرد به‌عنوان زمامدار یک کشور می‌نویسد، پیامبر دیگری هم (حضرت سلیمان علیه‌السلام) دعوت‌نامه برای یک زن به‌عنوان زمامدار یک کشور می‌نویسد. هم دعوت‌ها و هم مدعوها، عام هستند و هیچ اختصاصی در بین نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص۹۲).

جدول دیدگاه قرآنی با مستندات قرآنی

آیه	مضمون
﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء: ۱)	تجانس و وحدت، اصل خلقت زن و مرد
﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱)	هدف ازدواج: آرامش، مودت و رحمت
﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (نحل: ۹۷)	برابری زن و مرد در عمل و جزا
﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)	عبادت، برای همه انسان‌ها، فارغ از جنسیت
﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (آل‌عمران: ۱۹۵)	عدم تضییع عمل هیچ زن و مردی نزد خدا
﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)	تقوا، ملاک برتری

مستندات قرآنی دیدگاه قرآنی دربارهٔ زن، بر محور چند آیهٔ محکم استوار است که هر یک، بُعدی از تکریم و برابری زن را آشکار می‌سازد. آیهٔ ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء: ۱) بر تجانس و وحدت اصل خلقت زن و مرد دلالت دارد و هرگونه طفیلی‌انگاری را نفی می‌کند. آیهٔ ﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱) هدف ازدواج را آرامش، مودت و رحمت معرفی می‌کند که بیانگر نقش فعال و ارزشمند زن در خانواده است. آیهٔ ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (نحل: ۹۷) بیانگر برابری زن و مرد در عمل و جزاست. آیهٔ ﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) عبادت را شامل همهٔ انسان‌ها، فارغ از جنسیت، می‌داند. آیهٔ ﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (آل‌عمران: ۱۹۵) بر تساوی

کامل زن و مرد در عمل و جزا تأکید دارد و هرگونه تبعیض را در نظام پاداش الهی نفی می‌کند؛ همچنین آیهٔ ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳) نمایانگر این است که تقوا ملاک برتری است. این مجموعه آیات، چارچوبی منسجم و هماهنگ ارائه می‌دهد که در آن زن، نه‌تنها از هرگونه تحقیر مبراست؛ بلکه در جایگاهی برابر با مرد در مسیر تکامل و پاداش الهی قرار می‌گیرد.

٦-۳- قرینهٔ منفصل (روایات)

در تفسیر آیات قرآن، روایات صحیح السند نقش بسزایی دارند. با استمداد از روایات مستند، به دست آمد که دیدگاه مفسرانی که با استناد به حدیث مجعول «حوا از دندهٔ آدم خلق شده» زن را دارای هویتی بی‌ارزش دانسته‌اند که هدف از خلقت او، همانند خلقت چهارپایان و گیاهان، فقط به جهت منافع مردان و تکلیف آنان به جهت اتمام نعمت بر مردان است، از اساس باطل است.

جدول روایات مستند از کتاب‌های اهل‌سنت، در تأیید دیدگاه قرآنی

روایت	منبع	مضمون
إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ	سنن ترمذی	تجانس و برابری زن و مرد در سرشت انسانی
خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي	سیوطی	تکریم همسر و نقش مؤثر زن در خانواده
رِفْقًا بِالْقَوَارِيرِ	احمدبن‌حنبل	سفارش به مدارا و مهربانی با زنان
أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ	سنن ترمذی	برتری ایمان در گرو حسن رفتار با زنان

روایات مستند، به‌عنوان دومین منبع معتبر در تأیید دیدگاه قرآنی، تصویری تکریم‌آمیز از زن ارائه می‌دهند که کاملاً همسو با آیات قرآن است. روایت «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ؛ همانا زنان، هم‌پاره و هم گوشت مردان‌اند» (ترمذی، ۱۴۲۰، ج۱، ص۱۵۴ـ۱۵۵) بر تجانس و برابری زن و مرد در احکام شرعی دلالت دارد و هرگونه نگاه طفیلی‌انگارانه را نفی می‌کند. روایت «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (سیوطی، بی‌تا، ج۱، ص۶۳۲) نیز نقش مؤثر زن در خانواده و لزوم تکریم همسر را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین، روایت «رِفْقًا بِالْقَوَارِيرِ» (احمدبن‌حنبل، بی‌تا، ج۴۳، ص۲۶۴) بر مدارا و مهربانی با زنان به‌عنوان ارزشی اخلاقی تأکید دارد و روایت «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ» (ترمذی، ۱۴۲۰، بی‌تا، ج۳، ص۴۶۰) برتری ایمان را در گرو حسن رفتار با زنان می‌داند. این روایات که از سند صحیح یا حسن برخوردارند و محتوای آن‌ها با قرآن سازگار است، در مقابل روایات اسرائیلی ضعیف‌السند قرار می‌گیرند و مبنای روش‌شناختی نقد و رد روایات ضعیف را فراهم می‌آورند.

نتیجه‌گیری

۱. بررسی تطبیقی کتب تفسیری متقدم و متأخر و ارزیابی اقوال متعدد مفسران فریقین نشان می‌دهد که روایات تفسیری مجعول، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری انگارهٔ خلقت حوا و اهداف آفرینش زن در تفاسیر فریقین داشته‌اند. برخی از مفسران متقدم، با پذیرش گستردهٔ روایات مجعول و نگاه تبعی به زن، تصویری ارائه داده‌اند که در آن زن، به‌مثابهٔ موجودی فرعی و دارای هویتی بی‌ارزش معرفی شده است؛ به‌گونه‌ای که هدف از خلقت او، همانند خلقت چهارپایان و گیاهان، فقط به جهت منافع مردان و تکلیف آنان به جهت اتمام نعمت بر مردان دانسته شده است. این انگاره، به‌طور طبیعی بر جایگاه زن در خانواده و جامعه بازتاب یافته و به تثبیت نگرش‌های مردسالارانه در فرهنگ اسلامی انجامیده است.

۲. در مقابل، بررسی روایات تفسیری صحیح و دیدگاه مفسران متأخر نشان می‌دهد که نقد سندی و محتوایی روایات، همراه با استناد به سیاق قرآن و توجه به اهداف کلی شریعت، به شکل‌گیری خوانشی متفاوت از آفرینش زن انجامیده است. در این خوانش، افزون بر تأکید بر شأن و شخصیت زن در مسیر تکامل روحی، بر کرامت ذاتی، همسانی در سرشت و مشارکت در اهداف مشترک آفرینش، ازجمله عبادت، عمل و جزا، حیات طیبه و رسیدن به خداوند، تأکید شده است. این تحول، نه‌تنها در سطح تفسیر، بلکه در سطح فقه، اخلاق و فرهنگ نیز دلالت‌هایی بنیادین داشته و زمینهٔ بازنگری در برخی نگرش‌های سنتی دربارهٔ زن و خانواده را فراهم کرده است.

۳. درمجموع، می‌توان گفت گذار از نگاه ابزارانگارانه به زن به‌سوی نگاه غایت‌انگارانه، بیش از آنکه مرهون تغییر در نص باشد، حاصل تحول در روش تفسیر و معیارهای اعتبارسنجی روایات است. از این رو، بازنگری در مبانی روش‌شناختی تفسیر و پالایش روایات تفسیری از عناصر اسرائیلیاتی، گامی ضروری در جهت ارائهٔ تصویری همسو با کرامت انسانی زن و تحکیم بنیان خانواده در گفتمان قرآنی به شمار می‌رود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی (۱٤۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتاب العربی.

۲. ابن‌عاشور، محمدبن‌طاهر (بی‌تا). التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ.

۳. ابن‌عجیبه، احمدبن‌محمد (۱٤۱۹ق). البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: نشر دکتر حسن عباس زکی.

٤. ابن‌عطیه اندلسی، عبدالحق‌بن‌غالب (۱٤۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۵. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر (۱٤۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

٦. ابوالسعود، محمدبن‌محمد (بی‌تا). ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۷. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی (۱٤۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.

۸. ابوحمزه ثمالی، ثابت‌بن‌دینار (۱٤۲۰ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار المفید.

۹. ابوحیان، محمدبن‌یوسف (۱٤۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.

۱۰. احمدبن‌حنبل (۱٤۱٦ق). مسند أحمدبن‌حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۱۱. آلوسی، محمود (۱٤۱۵ق). روح المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۲. بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان (۱٤۱٦ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

۱۳. بروجردی، سیدحسین (۱٤۱٦ق). تفسیر الصراط المستقیم، قم: مؤسسهٔ انصاریان.

۱٤. بصیری، حمیدرضا؛ گوهری، مریم؛ اکرمی، سیدمحمد (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل سلول‌های جنسی (گامت‌ها) در انسان از منظر قرآن»، پژوهشنامهٔ معارف قرآنی، شمارهٔ ۲٦، صص۲۹_٥٤.

۱۵. بلخی، مقاتل‌بن‌سلیمان (۱٤۲۳ق). تفسیر مقاتل‌بن‌سلیمان، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱٦. بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر (۱٤۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار الفکر.

۱۷. ـــــــــــــــ (۱٤۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مؤلف.

۱۸. ترمذی، ابوعیسی‌محمدبن‌عیسی (۱٤۲۰ق). سنن ترمذی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۹. تستری، ابومحمد سهل‌بن‌عبدالله (۱٤۲۳ق). تفسیر القرآن الکریم (تفسیر التستری)، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲۰. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمدبن‌ابراهیم (۱٤۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۱. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: برهان.

۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.

۲۳. ـــــــــــــــ (۱۳۷٦). زن در آیینه جلال و جمال الهی، قم: اسراء.

۲٤. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین‌بن‌احمد (۱۳٦۳). تفسیر إثنی‌عشری، تهران: میقات.
۲۵. حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱٤۲٤ق). تقریب القرآن إلی الأذهان، بیروت: دار العلوم.
۲٦. حسینی همدانی، سیدمحمد (۱٤۰٤ق). انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۲۷. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر العربی.
۲۸. خطیب، عبدالکریم، (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی.
۲۹. دوانی، علی (۱۳٦۲). زن در قرآن، بی‌جا: بی‌نا.
۳۰. درک، ریچارد؛ وگل، وین؛ میچل، آدام (۱۳۹۳). آناتومی گری، مترجمین: غلام‌رضا حسن‌زاده و همکاران، تهران: ابن‌سینا.
۳۱. زحیلی، وهبةبن‌مصطفی (۱٤۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر.
۳۲. زمخشری، محمود (۱٤۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی.
۳۳. سبزواری نجفی، محمدبن‌حبیب‌الله (۱٤۱۹ق). إرشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف.
۳٤. ـــــــــــــــــــــــ (۱٤۰٦ق). الجدید فی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف.
۳۵. سلطانی‌نسب، رضا؛ گرجی، فرهاد (۱۳۷۲). جنین‌شناسی انسان، تهران: ماجد.
۳٦. سیدقطب، ابراهیم حسین شاذلی (۱٤۱۲ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۳۷. سیدمرتضی، علی‌بن‌حسین (۱٤۳۱ق). نفائس التأویل، بیروت: شرکة الأعلمی.
۳۸. سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر (۱٤۰٤ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۹. ـــــــــــــــــــــــ (۱٤۲۹ق). الجامع الصغیر، بیروت: دار الفکر.
٤۰. شبر، سیدعبد الله (۱٤۱۲ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغة.
٤۱. شریفی، صالحه (۱۳۹۸). «روایات خلقت زن و حوا در بوتهٔ نقد و نظر»، مجلهٔ تحقیقات قرآنی و حدیثی، شمارهٔ ۱، صص۲۷_۳۷.
٤۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۳٦۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
٤۳. طباطبائی، محمدحسین (۱٤۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٤٤. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
٤۵. طبری، ابوجعفر محمدبن‌جریر (۱٤۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
٤٦. طوسی، محمدبن‌حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤۷. طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
٤۸. حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه (۱٤۱۵ق). نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
٤۹. علوی‌مهر، حسین (۱۳۸۷). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: جامعة المصطفی العالمیة.
۵۰. فخر رازی، محمدبن‌عمر (۱٤۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱٤۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک.

۵۲. فلاحی قمی، محمد؛ علی‌زاده، مریم (۱۳۹۷). «ملاک فضیلت و ارزشمندی زن از منظر علامه طباطبایی و فخر رازی»، پژوهشنامهٔ جامعة المصطفی العالمیة، شمارهٔ ۱، صص۳۵_٦٤.

۵۳. فیض کاشانی، ملامحسن (١٤١٥ق). الصافی، تهران: صدر.

٥٤. قاسمی، محمد جمال‌الدین (١٤١٨ق). محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۵۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

٥٦. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

۵۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۵۸. قرطبی، محمدبن‌احمد (١٣٦٤). الجامع لأحکام القرآن، تهران: ناصرخسرو.

۵۹. قمی مشهدی، محمد (١٣٦٨). کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

٦٠. قمی، علی‌بن‌ابراهیم (١٣٦٣). تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.

٦١. مدرسی، سیدمحمدتقی (١٤١٩ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.

٦٢. مراغی، احمدبن‌مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

٦٣. مصطفوی، حسن (١٣٤٠ق). التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.

٦٤. مظهری، محمد ثناءالله (١٤١٢ق). التفسیر المظهری، پاکستان: مکتبة رشدیة.

٦٥. مغنیه، محمدجواد (١٤٢٤ق). التفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

٦٦. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

٦٧. ملاحویش آل‌غازی، سیدعبدالقادر (١٣٨٢ق). بیان المعانی، دمشق: الترقی.

٦٨. میبدی، احمدبن‌محمد (١٣٧١). کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران: امیرکبیر.

٦٩. نخجوانی، نعمت‌الله (١٩٩٩). الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة، مصر: دار رکابی.

۷۰. نسفی، عبدالله‌بن‌احمد (١٤١٦ق). مدارک التنزیل و حقایق التأویل، بیروت: دار النفائس.

۷۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (١٣٨٦). تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.

۷۲. وکیلی، الهه؛ محمدرضایی، محمد (۱۳۸۸). «آفرینش حوا از دیدگاه قرآن»، اندیشهٔ دینی، شمارهٔ ۳۲، ص۷۵_۸۸.

References

The Holy Qur’an.

1. Ibn al-Jawzi, ‘Abd al-Rahman ibn ‘Ali. (1422 AH). *Zad al-Masir fi ‘Ilm al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Kitab al-‘Arabi.

2. Ibn ‘Ashur, Muhammad ibn Tahir. (n.d.). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Mu’assasat al-Tarikh.

3. Ibn ‘Ajibah, Ahmad ibn Muhammad. (1419 AH). *Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur’an al-Majid*. Cairo: Published by Dr. Hasan ‘Abbas Zaki.

4. Ibn ‘Atiyyah al-Andalusi, ‘Abd al-Haqq ibn Ghalib. (1422 AH). *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-‘Aziz*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.

5. Ibn Kathir, Isma‘il ibn ‘Umar. (1419 AH). *Tafsir al-Qur’an al-‘Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.

6. Abu al-Su‘ud, Muhammad ibn Muhammad. (n.d.). *Irshad al-‘Aql al-Salim ila Mazaya al-Qur’an al-Karim*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.

7. Abu al-Futuh Razi, Husayn ibn ‘Ali. (1408 AH). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur’an*. Mashhad: Astan Quds Razavi.

8. Abu Hamzah al-Thumali, Thabit ibn Dinar. (1420 AH). *Tafsir al-Qur’an al-Karim*. Beirut: Dar al-Mufid.

9. Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf. (1420 AH). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr.

10. Ahmad ibn Hanbal. (1416 AH). *Musnad Ahmad ibn Hanbal*. Beirut: Mu’assasat al-Risalah.

11. Alusi, Mahmud. (1415 AH). *Ruh al-Ma‘ani*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.

12. Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (1416 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur’an*. Tehran: Bunyad-e Bi‘that.

13. Burujirdi, Sayyid Husayn. (1416 AH). *Tafsir al-Sirat al-Mustaqim*. Qom: Mu’assasat Ansariyan.

14. Basiri, Hamid Reza, Maryam Gohari, and Sayyid Muhammad Akrami. (1395 SH). “Barrasi va Tahlil-e Selul-ha-ye Jensi (Gamet-ha) dar Ensan az Manzar-e Qur’an” [An Examination and Analysis of Human Germ Cells (Gametes) from the Qur’anic Perspective]. *Pazhuheshnameh-ye Ma‘arif-e Qur’ani*, no. 26, pp. 29–54.

15. Balkhi, Muqatil ibn Sulayman. (1423 AH). *Tafsir Muqatil ibn Sulayman*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.

16. Baydawi, ‘Abd Allah ibn ‘Umar. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta’wil*. Beirut: Dar al-Fikr.

17. Baydawi, ‘Abd Allah ibn ‘Umar. (1419 AH). *Al-Balagh fi Tafsir al-Qur’an bi al-Qur’an*. Qom: Author.

18. Tirmidhi, Abu ‘Isa Muhammad ibn ‘Isa. (1420 AH). *Sunan al-Tirmidhi*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.

19. Tustari, Abu Muhammad Sahl ibn ‘Abd Allah. (1423 AH). *Tafsir al-Qur’an al-Karim (Tafsir al-Tustari)*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
20. Tha‘labi Nishaburi, Abu Ishaq Ahmad ibn Ibrahim. (1422 AH). *Al-Kashf wa al-Bayan ‘an Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
21. Thaqafi Tehrani, Muhammad. (1398 AH). *Tafsir-e Ravan-e Javid*. Tehran: Burhan.
22. Jawadi Amuli, ‘Abd Allah. (1389 SH). *Tafsir-e Tasnim*. Qom: Isra’.
23. Jawadi Amuli, ‘Abd Allah. (1376 SH). *Zan dar Ayineh-ye Jalal va Jamal-e Elahi* [Woman in the Mirror of Divine Majesty and Beauty]. Qom: Isra’.
24. Husayni Shah ‘Abd al-‘Azimi, Husayn ibn Ahmad. (1363 SH). *Tafsir Ithna ‘Ashari*. Tehran: Miqat.
25. Husayni Shirazi, Sayyid Muhammad. (1424 AH). *Taqrib al-Qur’an ila al-Adhhan*. Beirut: Dar al-‘Ulum.
26. Husayni Hamadani, Sayyid Muhammad. (1404 AH). *Anwar-e Derakhshan*. Tehran: Ketabfurushi-ye Lutfi.
27. Haqqi Bursawi, Isma‘il. (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fikr al-‘Arabi.
28. Khatib, ‘Abd al-Karim. (n.d.). *Al-Tafsir al-Qur’ani li al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Fikr al-‘Arabi.
29. Davani, ‘Ali. (1362 SH). *Zan dar Qur’an*. n.p.: n.p.
30. Drake, Richard, Wayne Vogl, and Adam Mitchell. (1393 SH). *Anatomi-ye Gray* [Gray’s Anatomy]. Translated by Gholamreza Hassanzadeh et al. Tehran: Ibn Sina.
31. Zuhayli, Wahbah ibn Mustafa. (1418 AH). *Al-Tafsir al-Munir fi al-‘Aqidah wa al-Shari‘ah wa al-Manhaj*. Beirut: Dar al-Fikr.
32. Zamakhshari, Mahmud. (1407 AH). *Al-Kashshaf ‘an Haqa’iq Ghawamid al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-‘Arabi.
33. Sabziwari Najafi, Muhammad ibn Habib Allah. (1419 AH). *Irshad al-Adhhan ila Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Ta‘aruf.
34. Sabziwari Najafi, Muhammad ibn Habib Allah. (1406 AH). *Al-Jadid fi Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Ta‘aruf.
35. Soltani-Nasab, Reza, and Farhad Gorji. (1372 SH). *Janin-shenasi-ye Ensan* [Human Embryology]. Tehran: Majid.
36. Sayyid Qutb, Ibrahim Husayn Shadhili. (1412 AH). *Fi Zilal al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Shuruq.
37. Sayyid Murtada, ‘Ali ibn Husayn. (1431 AH). *Nafa’is al-Ta’wil*. Beirut: Sharikat al-A‘lami.
38. Suyuti, ‘Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma’thur*. Qom: Ayatollah Mar‘ashi Najafi Library.
39. Suyuti, ‘Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1429 AH). *Al-Jami‘ al-Saghir*. Beirut: Dar al-Fikr.

40. Shubbar, Sayyid ‘Abd Allah. (1412 AH). *Tafsir al-Qur’an al-Karim*. Beirut: Dar al-Balaghah.
41. Sharifi, Saleheh. (1398 SH). “Revayat-e Khalqat-e Zan va Hawwa dar Butte-ye Naqd va Nazar” [Narrations on the Creation of Woman and Eve: A Critical Examination]. *Majallah-ye Tahqiqat-e Qur’ani va Hadithi*, no. 1, pp. 27–37.
42. Sadeqi Tehrani, Muhammad. (1365 SH). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur’an bi al-Qur’an*. Qom: Farhang-e Islami.
43. Tabataba’i, Muhammad Husayn. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur’an*. Translated by Sayyid Muhammad Baqir Musawi Hamadani. Qom: Islamic Publications Office.
44. Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1372 SH). *Majma‘ al-Bayan fi Tafsir al-Qur’an*. Tehran: Nasir Khusraw.
45. Tabari, Abu Ja‘far Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jami‘ al-Bayan fi Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Ma‘rifah.
46. Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
47. Tayyib, Sayyid ‘Abd al-Husayn. (1378 SH). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur’an*. Tehran: Islam.
48. Huwayzi, ‘Abd ‘Ali ibn Jum‘ah. (1415 AH). *Nur al-Thaqalayn*. Qom: Isma‘iliyan.
49. ‘Alawi Mehr, Husayn. (1387 SH). *Ashna’i ba Tarikh-e Tafsir va Mufassiran* [An Introduction to the History of Qur’anic Exegesis and Exegetes]. Qom: Al-Mustafa International University.
50. Fakhr al-Razi, Muhammad ibn ‘Umar. (1420 AH). *Mafatih al-Ghayb*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
51. Fadl Allah, Sayyid Muhammad Husayn. (1419 AH). *Tafsir Min Wahy al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Malak.
52. Fallahi Qomi, Muhammad, and Maryam Alizadeh. (1397 SH). “Malahak-e Fazilat va Arzeshmandi-ye Zan az Manzar-e ‘Allamah Tabataba’i va Fakhr al-Razi” [Criteria for Women’s Virtue and Worth from the Perspectives of ‘Allamah Tabataba’i and Fakhr al-Razi]. *Pazhuheshnameh-ye Jami‘at al-Mustafa al-‘Alamiyyah*, no. 1, pp. 35–64.
53. Fayz Kashani, Mulla Muhsin. (1415 AH). *Al-Safi*. Tehran: Sadr.
54. Qasimi, Muhammad Jamal al-Din. (1418 AH). *Mahasin al-Ta’wil*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
55. Qara’ati, Mohsen. (1383 SH). *Tafsir-e Nur*. Tehran: Markaz-e Farhangi-ye Dars-ha’i az Qur’an.
56. Qurashi, Sayyid ‘Ali Akbar. (1377 SH). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. Tehran: Bunyad-e Bi‘that.

57. Qurashi, Sayyid ‘Ali Akbar. (1371 SH). *Qamus-e Qur’an*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
58. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1364 SH). *Al-Jami‘ li-Ahkam al-Qur’an*. Tehran: Nasir Khusraw.
59. Qummi Mashhadi, Muhammad. (1368 SH). *Kanz al-Daqa’iq wa Bahr al-Ghara’ib*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance.
60. Qummi, ‘Ali ibn Ibrahim. (1363 SH). *Tafsir al-Qummi*. Qom: Dar al-Kitab.
61 Mudarrisi, Sayyid Muhammad Taqi. (1419 AH). *Min Huda al-Qur’an*. Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn.
62. Maraghi, Ahmad ibn Mustafa. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
63. Mustafawi, Hasan. (1340 AH). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur’an*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
64. Mazhari, Muhammad Thana’ Allah. (1412 AH). *Al-Tafsir al-Mazhari*. Pakistan: Maktabah Rashidiyyah.
65. Mughniyah, Muhammad Jawad. (1424 AH). *Al-Tafsir al-Kashif*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
66. Makarim Shirazi, Nasir. (1374 SH). *Tafsir-e Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
67. Mallahwish Al-Ghazi, Sayyid ‘Abd al-Qadir. (1382 AH). *Bayan al-Ma‘ani*. Damascus: Matba‘at al-Taraqqi.
68. Maybudi, Ahmad ibn Muhammad. (1371 SH). *Kashf al-Asrar wa ‘Uddat al-Abrar*. Tehran: Amir Kabir.
69. Nakhjuwani, Ni‘mat Allah. (1999). *Al-Fawatih al-Ilahiyyah wa al-Mafatih al-Ghaybiyyah*. Egypt: Dar Rakabi.
70. Nasafi, ‘Abd Allah ibn Ahmad. (1416 AH). *Madarik al-Tanzil wa Haqa’iq al-Ta’wil*. Beirut: Dar al-Nafa’is.
71. Hashimi Rafsanjani, Akbar. (1386 SH). *Tafsir-e Rahnama*. Qom: Bustan-e Ketab.
72. Vakili, Elaheh, and Muhammad Muhammadreza’i. (1388 SH). “Afarinesh-e Hawwa az Didgah-e Qur’an” [The Creation of Eve from the Qur’anic Perspective]. *Andisheh-ye Dini*, no. 32, pp. 75–88.